



گفت وگو با اسدالله قاسمی، مدیر دبیرستان، تهران

مدیر؛ عامل وصل نه فصل

● هوشنگ غلامی

کلیدواژه‌ها: ارتباط خانه و مدرسه، مشارکت خانواده، انجمن اولیا و مربیان

آموزش و پرورش اولویت اول کشور نیست. آموزش و پرورش چندین سال است پیشرفت ملموسی نداشته است. متأسفانه بسیاری از نیروهای موجود و تازه استخدام، از سر ناچاری به شغل معلمی روی آورده‌اند. اولیا نیازمند آموزش هستند. خیلی از مدرسه‌ها از آموزش اولیا غافل‌اند. مدرسه و خانه از هم جدا نیستند و این مهم باید در باور اولیا بنشیند. از جمله عوامل اصلی ضعف در ارتباط بین خانواده‌ها و مدرسه‌ها، ما مدیران مدرسه‌ها هستیم.

اسدالله قاسمی مدیر دبیرستان دوره دوم شاهد شهید قاسمی در منطقه ۱۷ تهران است. ۲۹ سال سابقه خدمت دارد که ۱۷ سال آن سابقه مدیریت است. ۷ سال معاون بوده و چندسالی هم تدریس کرده است. ۹ سال است که در این دبیرستان مشغول کار است. متن کامل گفت وگو را با هم پی می‌گیریم.

و مدرسه‌های متفاوت کار کرده‌ام. مدیر اگر برنامه داشته باشد، خانواده‌ها همراهی‌اش خواهند کرد.

قوانین و مقررات وجود دارند، ولی غالباً دست مدیر را باز گذاشته‌اند. می‌گویم شما برنامه داشته باش، از اولیا هم کمک بگیر. وقتی اول سال برنامه خود را ارائه می‌کنیم و مثلاً کلاس فوق برنامه می‌گذاریم، به اولیا می‌گوییم ده جلسه کلاس فلان درس را به دوازده جلسه افزایش می‌دهیم. دو جلسه اول رایگان است تا بچه‌ها بیایند بنشینند و اگر احساس کردند به درد آن‌ها می‌خورد، هزینه ده جلسه دیگر را پرداخت کنند. آن‌ها حتی آزادند آن دو جلسه را رایگان شرکت کنند.

■ **شیوه و روش بهینه جلب مشارکت خانواده‌ها در مدرسه چگونه است؟**
من در نظافت مدرسه تا اولویت‌های دیگر، از خانواده‌ها کمک گرفته‌ام. این در همه مسائل، اعم از تأسیساتی و فرهنگی و آموزشی بوده است. مثلاً پدر

■ چگونه می‌توانیم تعاملات خانه با مدرسه را افزایش دهیم؟
من در آغاز سال تحصیلی یک جلسه کلی برای خانواده‌ها می‌گذارم و برنامه‌های مدرسه را به آن‌ها ارائه می‌دهم. وقتی خانواده‌ها با برنامه‌های مدرسه آشنا می‌شوند، با مدرسه همکاری می‌کنند. جلساتی با خانواده‌ها داریم که گاهی اوقات کلاسی هستند، گاهی انفرادی و گاهی هم پایه‌ای و گروهی.

■ **چرا در برخی مدرسه‌ها ارتباط بین خانواده‌ها و مدرسه‌ها ضعیف است؟**
این موضوع به مدیر مدرسه برمی‌گردد. اگر قرار باشد تقصیری را به گردن کسی بیندازیم، در این زمینه، حداقل شخص مدیر مدرسه است. بسیاری از امور به مدیر مدرسه بستگی دارد. من قبل از اینکه مدیر دبیرستان شوم، مدیر مدرسه‌ای دولتی و عادی در همین منطقه بودم. در منطقه‌های دیگر هم کار کرده‌ام؛ معاون بوده‌ام، معلم بوده‌ام، در غیردولتی، تیزهوشان

خانواده مربی فوتبال است، از او در آموزش فوتبال استفاده می‌کنیم. یا مثلاً مربی تکنو دوست، می‌گوییم بیا با بچه‌ها صحبت کن. چون مدرسه و من مدیر قطعاً توانایی آن را ندارم در همه زمینه‌ها استعدادها بچه‌ها را دقیقاً بسنجیم. استفاده از تخصص و مهارت اولیا اولویت خوبی است که مدیران باید به آن توجه کنند.

■ با توجه به مفاد سند تحول بنیادین، خانواده‌ها چگونه می‌توانند در تربیت و یادگیری دانش‌آموزان مشارکت کنند؟

ما در درجه اول باید به اولیا آموزش بدهیم. متأسفانه خیلی از مدرسه‌ها از آموزش اولیا غافل هستند. من برای موضوع تربیت بدنی در مدرسه با خانواده‌ها جلسه گذاشتم. اگر بتوانیم خانواده‌ها را آموزش بدهیم و برنامه‌های خود را به آنان ارائه و معرفی کنیم، مطمئن باشیم خانواده‌ها کمک و همراهی می‌کنند. خیلی از مدیران نخست به جنبه‌های مالی توجه می‌کنند. من این نگاه را ندارم. اصلاً دیدگاه مالی اولویت نخست من در مدرسه نیست، چون می‌دانم اگر خوب کار کنیم خانواده‌ها کمک و همراهی می‌کنند؛ حالا چه مالی و مادی باشد و چه فکری و آموزشی. در همین راستا، من در نخستین جلسه با خانواده‌ها، می‌گویم اگر احساس کردید در جلسه‌ای می‌خواهم درباره امور مالی صحبت کنم، جلسه را ترک کنید. باید بتوانیم به اولیا اطمینان دهیم مدرسه چیزی جدا از خانه نیست، بلکه یک بخش از خانه است. چیزی جدا از هم نداریم. اگر من در مدرسه کوتاهی کنم، دانش‌آموز دچار مشکل می‌شود و اگر شما هم در خانه کوتاهی کنید، دانش‌آموز دچار مشکل می‌شود. هدف ما این است که دانش‌آموز درست تربیت شود. باید با هم و هماهنگ کار کنیم. اگر قواعد مثلث دانش‌آموز، خانه و مدرسه رعایت شوند، دانش‌آموز درست تربیت می‌شود. قطعاً باید آن هم‌گرایی به وجود بیاید و وحدت‌رویه ایجاد شود. همیشه به خانواده‌ها می‌گویم هر جا احساس کردید با دانش‌آموزان مشکل دارید، به مدرسه و معلمان و مشاوران آن مراجعه کنید. خانواده‌ها نیز

معتقدند بچه‌ها در هر زمینه‌ای از مدرسه بیشتر حرف‌شنوی دارند تا خانه. ما دانش‌آموزی داریم که مثلاً می‌گوید من می‌خواهم بروم فلان رشته. به خانواده‌ها می‌گوییم شما اصلاً اصرار نکنید که باید بروم فلان رشته و فلان دانشگاه. بیا بید بنشینیم با هم صحبت کنیم، یا دانش‌آموز ما را قانع می‌کند که حرفش درست است، یا ما او را قانع می‌کنیم. اگر این ارتباط و تعامل و گفت‌وگو باشد، مسلماً کمتر دچار مشکل می‌شویم.

■ برای تولید برخی از محتواها و همچنین برگزاری اردوها و همایش‌ها و برنامه‌های دیگر چگونه از مشارکت اولیا استفاده کنیم؟

در مورد تخصص اولیا، ابتدای هر سال، هنگام ثبت‌نام، برگه‌ای را به خانواده‌ها می‌دهیم و می‌گوییم کسانی که در هر زمینه‌ای می‌توانند به مدرسه کمک کنند، اعلام نظر کنند. برای مثال یکی در زمینه تأسیسات می‌تواند به مدرسه کمک کند. همین امسال یکی از والدین اعلام کرد من به واسطه شغلم می‌توانم اردوهای یک‌روزه برای دانش‌آموزان برگزار کنم. یا مثلاً می‌خواستیم بچه‌ها را به مشهد ببریم. یکی از اولیا گفت یکی از دوستانش در مشهد یک هتل تازه تأسیس دارد و می‌تواند هماهنگ کند. به یقین خانواده‌ها دوست دارند در همه موارد مشارکت کنند.

■ بهتر است اولیا در چه زمینه‌هایی بیشتر آموزش ببینند؟

رفتار با نوجوان و مشاوره تحصیلی خیلی مهم است. خیلی از اولیا هنوز درگیر حال و هوای ۲۰ تا ۲۵ سال قبل هستند. غافل از آنکه بچه‌های امروزی با ۲۵ سال قبل زمین تا آسمان فرق دارند. ما اگر آشنا باشیم که چگونه با این بچه‌ها رفتار کنیم، خیلی از مشکلاتمان حل می‌شود. اکنون محتوای جلسات مشاوره خانواده بیشتر در بحث مشارکت تحصیلی به‌اضافه مشاوره فردی و رفع مشکلات است. استقبال اولیا نیز تاکنون بسیار خوب بوده است، به گونه‌ای که در جلسات مشاوره خانواده تقریباً غایب نداریم.

■ مدیران مدرسه‌ها و اعضای انجمن‌های اولیا و مربیان نسبت به مفاد سند تحول بنیادین در باب تعامل خانواده و مدرسه چه میزان شناخت و به آن اشراف دارند؟

اشراف و شناخت لازم وجود ندارد. متأسفانه ما و بیشتر مدرسه‌ها در این زمینه مشکل داریم. همکاران فکر می‌کنند سند آمده دست‌وپای آن‌ها را ببندد. فکر می‌کنند باید بنشینند و سند را بخوانند. جلساتی که در چندسال اخیر در رابطه با سند تحول برای خانواده‌ها برگزار کردیم، خیلی استقبال نشده‌اند. معتقدم در زمینه روشن‌گری و اشاعه مفاهیم سند ضعیف کار شده است. از سوی دیگر، مدرسه‌ها با تراکم دانش‌آموزی و مشکلات روزمره و فهم ناچیز از آموزه‌های سند، خیلی نمی‌توانند درگیر آن شوند. مدرسه‌ها با کمبود شدید نیرو و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری روبه‌رو هستند. در این خصوص بالادستی‌ها پاسخ‌گو نیستند و حتی با تفویض‌نکردن اختیارات لازم و کافی، دست مدیران و مدرسه‌ها را بسته‌اند. وانگهی مفاد سند تحول بیشتر کلی و انتزاعی است و دور از چشم‌انداز و ذهن ماست و تا حدودی غیرعملیاتی است و مفاهیم آن برای معلمان و خانواده‌ها روشن و ملموس نیست.

■ چنانچه نکته و مطلب پابانی‌ای دارید بفرمایید.

من معتقدم، آموزش و پرورش باید اولویت کشور و دولت باشد. اگر این اتفاق بیفتد، خیلی از مسائل مرتفع می‌شوند یا بسیار کاهش خواهند یافت. چندین سال است که آموزش و پرورش ما درجا می‌زند و حتی در جاهایی پسرفت دارد. من چهار پنج سال است که حسرت معلمان ده سال قبل را می‌خورم. الان نیروها کیفیت لازم را ندارند، در حالی که برخی از آن‌ها مدرک کارشناسی ارشد و دکترا دارند. ■

رفتار با نوجوان و مشاوره تحصیلی خیلی مهم است. خیلی از اولیا هنوز درگیر حال و هوای ۲۰ تا ۲۵ سال قبل هستند

بسیاری از مدرسه‌ها از آموزش اولیا غافل هستند

